

## ملاقاتی شیرین با شخصیت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) در محفل صحیفه سجادیه

### شناختی نو از شخصیت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) پای درس صحیفه سجادیه

اغلب ما عاشق حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) هستیم، اما ثمره این محبت و دوست داشتن سطحی برای ما چه بوده است؟ آیا فقط به استجابت دعایمان از ایشان قانعیم؟ یا می‌خواهیم به پهنای ابدیت از وجود ایشان بهره ببریم؟ اصلاً ما چه قدر پیامبران را می‌شناسیم؟ چرا باید ایشان را دوست صمیمی و پدر دلسوز خود بدانیم؟

گاهی بعضی نعمت‌ها آنقدر بزرگند که شناختن و درک آنها سخت می‌شود؛ همین مسئله هم باعث می‌شود این نعمت‌ها را تلف کنیم و از برکات آنها محروم شویم. پس عاقلانه‌ترین راه این است که به دنبال متخصص آن موضوع برویم و پای کلام و علم او نعمت‌ها را بشناسیم و با آنها ارتباط برقرار کنیم.

هیچ کتابی بعد از قرآن به اندازه صحیفه سجادیه انسان را با دنیای نعمت‌ها و شیرینی شکر آنها آشنا نمی‌کند. امام سجاد (علیه السلام) در [دعای نهم صحیفه سجادیه](#) با بیانی لطیف و معرفتی عمیق از بزرگترین نعمت عالم یعنی رسول الله (صلی الله علیه و آله) پرده برمی‌دارند.

ایشان در ابتدا به جایگاه رفیع پیامبر (صلی الله علیه و آله) نزد خدا می‌پردازند؛ از نعمت اسلام و مباحث پیرامون خاتمیت برای مان سخن می‌گویند. سپس به شکر این نعمت پرداخته و هوشمندانه پس از حمد خدا به حمد نعمت رسول الله (صلی الله علیه و آله) می‌پردازند. ایشان می‌خواهند با این حرکت به ما بیاموزند، که نعمت پیامبر و رسالت ایشان مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین نعمت پس از توحید است.

ایشان در پس تمام حمدها شیرینی و سرمستی از داشتن نعمتی مثل پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به جان ما تزریق می‌کنند، احوالی چنان شیرین و قلبی چنان محکم از داشتن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که هیچ‌گونه سختی و تلخی دنیا نتواند ما را مغلوب و زمین گیر کند.

سپس امام مثل معلمی دلسوز به صفات ویژه‌ای از شخصیت حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) اشاره می‌کنند، تا قلوب ما از وجود ایشان قرص و ما را از عالمی غیر ایشان بی‌نیاز کنند، صفاتی مثل معدن رحمت، پیشوای تمامی خیرها و کلید تمامی برکت‌ها که ضمن مقاله به صورت مبسوط به وصف آنها می‌پردازیم. با شناخت این صفات می‌بینیم که هیچ خیر و رحمت و برکتی در عالم به دست ما نمی‌رسد، مگر با دستان مهربان رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله).

سپس حضرت به رنج‌ها و مصائب بی‌شمار پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در راه خدا و اسلام می‌پردازند، آزارها و زحمات کم‌نظیری مثل توهین و تمسخر، گرسنگی و تشنگی، طرد شدن و هجرت، حصر در شعب و جهاد در راه خدا از جمله رنج‌هاییست که ایشان برای هدایت مردم تحمل کردند و آنها را شرح می‌دهیم.

آنچه باید بدانیم این است که صرفاً شنیدن این صفات و تکرار طوطی‌وار این حمدها کافی و کارساز نیست، بلکه تمام این دعا تقلاهای امام برای فهماندن موضوع مهمی به ماست. امام ما را به این مقام‌ها دعوت می‌کنند و سرفصل‌هایی برای شبیه شدن و هم‌سنگ شدن با شخصیت حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را به ما ارائه می‌دهند.

ما فقط زمانی می‌توانیم، شکر حقیقی رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را به جا بیاوریم، که اخلاق و سبک زندگی‌مان را به ایشان شبیه کنیم. در این صورت است که آماده ورود به خیمه فرزندشان مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) و حضور در لشکر مهدوی برپایی حکومت عدل جهانی خواهیم شد.

### پیامبری که پیروانش شکر وجودش را به جا نیاوردند

انسان برای زندگی در پیچ و خم دنیا به نقشه و برنامه‌ای دقیق نیاز داشت، بهترین برنامه را هم فقط خالق عالم که به ریز جزئیات آن آگاه بود می‌توانست طراحی کند. این برنامه دین نامیده شد و توسط پیامبران به بشر هدیه شد. با اینکه دین با اسامی و قالب‌های مختلفی به بشر رسید، اما همه دین‌ها اسلام هستند. در این بین اسلام محمدی آخرین دین الهی است و این که یهود و نصاری ادعا می‌کنند آخرین دین هستند، ادعایی باطل است. خداوند اسلام را فرستاد تا تمام ادیان را کامل کند

و به سایر دین‌ها غلبه کند. پس همه مخلوقات باید فقط از اسلام پیروی کنند، حتی اگر مشرکین از این اتفاق بزرگ راضی نباشند.

با اینکه تمام ادیان پیامبر خود را داشتند، اما کامل‌ترین تجلی آنها در شخصیت حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بروز پیدا کرد و ایشان پیامبر دین اسلام شدند. در حقیقت 124 هزار پیامبر آمدند، تا مقدمه بعثت پیامبر اسلام را فراهم کنند، چون اسلام کامل‌ترین مسیر برای رشد انسان به سمت کمال را در خورد دارد و کامل‌ترین تجلی انسان در مسیر اطاعت از اسلام به وجود خواهد آمد.

**قیمت هر انسان**، تابع نوع نگاه اوست. شکرهای هر انسان هم تابع میزان معرفت اوست. هرچقدر معرفت انسان بیشتر باشد، شکرهای او هم عمیق‌تر است و از نوع شکرهای هر کسی می‌توانیم میزان معرفت او را بسنجیم.

کسی که فقط دنیا و نعمت‌های آن را می‌بیند و خدا را بابت آنها شکر می‌کند، نمی‌تواند شخصیت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را بزرگ‌ترین نعمت بداند، اما کسی که معرفت بیشتری دارد، نعمت‌های ماورایی را هم می‌بیند و بابت آنها خوشحال و شکرگزار است.

این مسئله حس و روحیه خاص خودش را می‌طلبد. تا کسی چیزی را به عنوان خیر و نعمت نشناسد و نتواند با آن ارتباط قلبی برقرار کند، نمی‌تواند شکر قلبی او را به جا بیاورد. درست مثل حمدهای ویژه امام سجاد (علیه‌السلام) در صحیفه بابت نعمت

شخصیت حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله).

اینکه انسان بداند چه نعمت‌هایی را چگونه و با چه کیفیتی ستایش کند، بسیار مهم است. در این گنج‌نامه می‌بینیم که امام نعمت‌هایی را شکر می‌کنند که اغلب مردم حتی آنها را نمی‌بینند، چه برسد بخواهند خدا را بابت آنها شکر کنند.

در این دعا می‌بینیم ایشان بعد از حمد خدا بلافاصله با یک انتخاب مهندسی شده به سراغ شکر نعمت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌روند. این حرکت هوشمندانه یعنی بعد از خدا و توحید، نعمت پیامبر و رسالتشان بزرگ‌ترین نعمت‌های جهان هستند.

این نگرش فقط کار افرادیست که باطن انسانی دارند و می‌توانند این حمدها را با جانشان باور کنند. ما هرچه قدر هم پای درس‌های اعجاب‌انگیز صحیفه بنشینیم، اما این حمدها را باور نکنیم و در جان ما جاری نشوند، خواندن فرازهای آن فایده‌ای

ندارد.

ما هدیه‌ای خاص و عجیب در جانمان داریم و از آن غافلیم؛ این هدیه نور رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است که خدا ما را از آن آفریده است. ما باید چنان از این نور روشن باشیم که تاریکی‌ها بر جان و عمر ما غلبه نکنند. اگر ما این نعمت را نشناسیم و به شکرانه آن رابطه ما با خدا خوب نباشد، قدر آن را ندانسته و آن را تلف می‌کنیم.

### پیامبری که پیروانش حقیقت او را نشناختند

امام در این دعا مثل پدری که با دل شوره تقلا می‌کند، فرزندش سود و بهره بیشتری ببرد، به معرفی شخصیت حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌پردازند. امام تلاش می‌کنند تا ما این نعمت را بیشتر بشناسیم، تا بتوانیم با وجود این نعمت قلباً خدا را شکر کنیم. ایشان برخی صفات خارق‌العاده و خاص رسول اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را در این دعا این‌گونه به نمایش می‌گذارند:

### امانت‌دار وحی

رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هر چه را به عنوان وحی دریافت کرده‌اند، بی‌کم و کاست و به‌دقت به مردم تحویل دادند. ایشان چیزی برای سعادت دنیا و آخرت امتشان کم نگذاشتند و هنرمندانه‌ترین روش‌ها را در دعوت مردم به دین خدا به کار گرفتند. همین که ایشان برای رساندن مهم‌ترین پیغام عالم به مردم انتخاب شدند، نشان امانت‌داری توصیف‌نشده‌ی شخصیت حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است. ایشان نجیب‌ترین فرد مردم بودند و هیچ نقطه ضعف و تاریکی در عمر ایشان وجود نداشت.

### معدن رحمت

گاهی بعضی عبارات‌ها ساده به نظر می‌رسند، در حالی که دریایی از مفاهیم در کلمات آنها نهفته است. معدن یعنی منبع و مرکز چیزی؛ آنجا که محل جوشش و استخراج آن است. پس رحمت خدا از معدن رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌جوشد. تکه‌ای از رحمت با معدن رحمت بسیار متفاوت است.

رحمت معنای گسترده‌ای دارد و شامل رحمت دنیا، برزخ، آخرت، قیامت و ابدیت می‌شود. پس باید بدانیم که هر زمان به رحمتی محتاجیم، تمام آن از جان رسول الله برمی‌خیزد و رحمت را باید از در خانه‌ی ایشان طلب کنیم. تمام آن چه پیامبر برای بشر آورده است، خیر و رحمت و زیبایی است؛ نه تحمیل و زحمت. مثل احکام اسلام که رحمت و هدیه‌ی خدا هستند و ما با تنبلی‌ها و سستی‌هایمان از انجام آنها شانه خالی می‌کنیم.

### پیشوای خیرها

شاید هیچ معادل جذابی برای این توصیف امام که رسول را «قائد الخیر» توصیف کردند، پیدا نشود. قائد همان فرمانده و جلوداری است که عده‌ای را به سمت هدف و مقصدی مشخص هدایت می‌کند. قائد راه‌بلد نیست که راه را بارها رفته و پیچ و خم آن را می‌شناسد، پس اشتباه نمی‌کند.

رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) پیچ‌وخم‌های تمام مسیرها را به خوبی بلدند. ایشان نه تنها از نفس خودشان، بلکه از تمام عوالم و حتی قاب قوسین در شب معراج هم عبور کرده‌اند. خلقت انسان به قدری پیچیده است که هیچ دانشمندی بر جسم او هم تسلط کاملی ندارد، چه برسد به نفس که ساختاری بسیار پیچیده‌تر از جسم دارد. رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به تمام زیر و بم و جزئیات این نفس آگاهند.

حال این راه‌بلدی که مسیر برگشت ما به سمت خدا را هم می‌دانند، پیامبر ماست. ایشان کسی هستند که از بین هزاران مسیر بهترین راه را به ما معرفی می‌کنند. در دنیایی که مردم از سردرگمی بین راه‌ها و انتخاب‌ها کلافه‌اند، مسلمان‌ها خوشبخت‌ترین افراد هستند. دین برای تمام اتفاقات و مسائل آنها برنامه‌ای قاعده‌مند و دقیق ارائه کرده است. برنامه‌ای که تمام ویژگی‌ها، لذت‌ها و ابعاد وجودی انسان را به رسمیت می‌شناسد و برای همه آنها تدبیری اندیشیده است. حتی جزئیات ریزی مثل استحمام، خوردن و نوشیدن، ازدواج و فرزندآوری و ...

پیامبری پیدا شده که نقشهٔ راه را بدون این که زحمتی در راه آزمون و خطاها بکشیم و عمر خود را تلف کنیم، بدون هیچ عوارضی به ما تقدیم می‌کند. کسی که به قائد‌الخیر بودن ایشان ایمان دارد، خود را بدون فوت وقت و چون‌وچرا به دامان ایشان انداخته و مسیر قطعی سعادت را پشت سر ایشان طی می‌کند.

### پیامبری که پیروانش رنج‌های او را ندیدند

امام در این مناجات دل‌فریب از زحمت‌های پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) برای ما می‌گویند. مردی که خود را در راه خدا بسیار به زحمت انداخت و عاشقانه تمام رنج‌ها را به جان خرید. شاید این حدیث معروف از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را شنیده‌ایم که فرمودند: «ما أودى نبیّ مثل ما أودیت؛ هیچ پیامبری به اندازهٔ من اذیت نشد.»<sup>1</sup> مگر ایشان چقدر در راه اسلام رنج کشیدند که زجرشان از زنده‌اره کردن حضرت زکریا و سر بریدن حضرت یحیی بیشتر بود؟ مگر بر ایشان چه گذشت که هیچ پیامبری به اندازه ایشان رنج نکشید؟

در تورق تاریخ می‌بینیم که شخصیت حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از کودکی هم با خدا مأنوس بوده است. بعد از بعثت هم تا پایان عمرشان مثل سربازی که شغل و تکلیفی جز سربازی ندارد، عمل کردند. ایشان مثل طبیعی که خود به دنبال بیماراش می‌گردد، تمام سختی‌های مسیر مثل طعنه و تهمت، آوارگی و هجرت، جنگ و زخم و درد را مشتاقانه برای هدایت مردم به جان می‌خریدند. رنج بزرگی مثل سه سال حصر در شعب اَبی طالب، روزگار سختی که مسلمانان در محاصرهٔ کامل بودند و حق هیچ‌گونه تجارت، تعامل و رفت و آمدی با مکه و مردمش نداشتند. روزهایی جان‌فرسا که از شدت گرسنگی به شکمشان سنگ می‌بستند و از تشنگی شکم به زمین‌نم‌دار می‌کشیدند. از تلخی‌هایی که بر حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) گذشت، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

علامه مجلسی، بحار الانوار، ج 39، ص 56<sup>1</sup>

## طرد شدن از جانب نزدیکان

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به جرم دعوت مردم به اسلام از طرف اقوام و خویشاوندانشان طرد شدند و مجبور به قطع ارتباط با عزیزانشان شدند. در سازمان فکری نشر و تبلیغ اسلام توسط پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ملاک‌های محبتی و نسبت‌ها تغییر کرد. ایشان افراد مؤمن و معتقد را به خود نزدیک کرده و نزدیکان مشرک و منافقشان را از خود دور کردند. حضرت سنتی جدید پایه‌ریزی کردند و ملاک دوری و نزدیکی افراد به یکدیگر را ایمان آنها قرار دادند.

این مسئله نشان داد ایشان قبل از هر پیوند و نسبتی عبد خدا هستند و اولین مولا و صاحب ایشان خداست، دیگران هم در اولویت‌های بعدی ایشان قرار دارند. حضرت برخلاف اغلب ما که به خاطر عزیزانمان مقابل خدا می‌ایستیم، برای خدا مقابل عزیزانشان ایستادند.

## هجرت

حضرت برای عزت دین و پیروزی اسلام از وطن خود که عشیره‌شان ساکن آنجا بودند، **هجرت** کردند. مسئله هجرت آن قدر مهم است که آیات و روایات ویژه‌ای به آن پرداخته‌اند. البته شخصیت حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به قدری رفیع است که به مکه به عنوان وطنشان نمی‌نگرند، بلکه وابستگی ایشان به مکه به دلیل محل وحی و تقدس این شهر است، اما ایشان همین تعلق الهی را هم در زمان خاص خود و برای انجام کار مهم‌تری قطع کردند.

هجرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به قدری ارزشمند بود که مبدأ تاریخ اسلام قرار گرفت؛ تا همواره نام آن برای مردم تکرار شود و اهمیت آن یادآوری شود. بر هر مسلمانی واجب است از هر شرایطی که دین او را به خطر می‌اندازد، هجرت کند. هجرت اقسام مختلفی دارد: هجرت از وطن، هجرت از شغل و جایگاه و گاهی هجرت از دوستان و نزدیکان.

در هر موقعیت و جایگاهی که بین خدا و انسان فاصله می‌افتد، هجرت بر انسان واجب می‌شود، حتی اگر آن شرایط ظاهری مقدس داشته باشد، مثل شرایط شغلی و تحصیلی ممتازی که مانع جهاد انسان در راه خدا شود.

## جهاد در راه خدا

با اینکه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) پس از هجرت از مدینه پیروان و امکانات کمی داشتند، اما با قدرتی که از خداوند گرفتند، توانستند در عمق خانه‌های کفار با آنها بجنگند. این ماجرا به همه بشارت داد که اگر راه رسول را ادامه دهند و به خاطر خدا جهاد کنند، حتی اگر ضعیف هم باشند پیروز می‌شوند. سپاه حضرت فقط در جنگ حنین شکست خورد. با اینکه جمعیت لشکر و امکانات سپاه اسلام در این جنگ از همیشه مجهزتر بود، چون مسلمانان به خود مغرور شدند و نصرت خدا را فراموش کردند، مغلوب و زمین‌گیر شدند. پیروان حقیقی ایشان هم شخصیتی مثل شخصیت حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) داشته و از توحید بالایی برخوردار بودند و مثل امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در خیبر، در همه صحنه‌ها قدرت خود را از خدا می‌گرفتند.

تمام هدف ایشان از پیروزی اسلام، برداشتن موانع رشد و هدایت انسان‌ها و رساندن آنها به بالاترین درجه انسانیت بود. ایشان به دنبال فراهم کردن زمینه‌های رشد و تقویت جامعه اسلامی و برپایی حکومت الهی بودند. پیروزی جامعه اسلامی باید غلبه کرامت‌های اخلاقی بر رذیلت‌های اخلاقی باشد. همیشه هم عده‌ای باید باشند، که مستکبران را مغلوب کنند و حکومت الهی را جایگزین حکومت طاغوت کنند، همواره این وظیفه سنگین به عهده پیامبران بوده است. بعد از انبیاء هم حجت‌های خدا یعنی ائمه و سپس اولیاء خدا و رهبران الهی و در سایه آنها هر کدام از ما وارث این جهاد هستیم. همه ما موظفیم یک حسین و زینب با همان خصوصیات ایشان باشیم، تا با تلاش برای غلبه فضیلت‌های انسانی در درون مان و سپس در دنیای بیرون مقدمه‌ساز تشکیل حکومت الهی توسط مهدی موعود (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) شویم.



## پیامبری که پیروانش برای شباهت به او تلاش نکردند

مای پای مناجاتی از صحیفه نشستیم که سراسر آن کلاس معرفتی شناخت شخصیت حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بود. متأسفانه ما بسیاری اوقات دعاها را از روی عادت و برای ثواب روخوانی می‌کنیم؛ در حالی که این ادعیه کلاس‌های انسان‌سازی و کسب معرفت هستند.

این که صرفاً چون حضرت در مناجاتشان نعمت وجود پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را شکر کرده‌اند، شکری زبانی به جا بیاوریم، اصلاً درست نیست؛ بلکه احساس درونی ما باید به امام معصوم و دعایشان نزدیک شود. پشتوانه معرفتی دعا خواندن‌های ما باید آن قدر قوی شود که کام ما هم از وجود نعمت حضرت شیرین باشد و ارتباط ما با خدا برای داشتن این نعمت در زندگی‌مان ارتباطی عالی باشد. این حمدها باید ما را به نتایج سرنوشت‌سازی برساند، این دعاها و حمدها باید ما را به دو خروجی مهم یعنی معرفت به شخصیت حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و شبیه شدن به ایشان برساند.

اگر ما نسبت به تأثیر شگفت‌انگیز حضور رسول در سرگذشت و سرنوشت‌مان شناخت پیدا کنیم، مسیری غیر از راه ایشان را انتخاب نمی‌کنیم. پس تلاش می‌کنیم به تشابه و سنخیتی زیبا با ایشان برسیم؛ تشابه در اخلاق و سبک زندگی. هرچه قدر اخلاق و سبک زندگی ما در دنیا به حضرت نزدیک باشد، مقام ما در ابدیت هم به ایشان نزدیک‌تر است. اگر مشتاقیم به سنخیت با حضرت برسیم، باید صفاتی که گفتیم را در زندگی روزمره خود تمرین کنیم، تا به مرور ملکه قلب و جزئی از اخلاق ما شوند.

به راستی آیا ما هم در راه خدا رنجی کشیده‌ایم؟ چند توهین و تمسخر را در راه خدا به جان خریده‌ایم؟ تجربه هجرت از موقعیت‌ها و افراد نامناسب و حتی عادات ناپسندمان داشته‌ایم؟ چگونه با مال و جسم و آبروی‌مان در راه خدا جهاد کرده‌ایم؟ پاسخ این سؤالات می‌تواند ما را به درک درستی از فاصله ما با رسول الله برساند. رسولی که امام سجاد (علیه‌السلام) در این مناجات کلمه عمیق «شاهد» را برای وصف ایشان به کار بردند. شاهد دارای چند معنی است، از جمله یعنی الگو و نمونه. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) کامل‌ترین انسان عالم و بزرگ‌ترین الگو و نمونه برای مشتاقانی هستند، که می‌خواهند به درجه انسانیت برسند.

معنای دیگر شاهد آن است که تمام اعمال ما از تولد تا قیامت مقابل چشمان رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اولادشان (علیهم‌السلام) رخ می‌دهد و ایشان از تمام کردار و رفتار همه انسان‌ها با خبرند. شکرهای زیادی را در سایه صحیفه برای نعمت رسول مرور کردیم، اما شکر عملی نعمت وجود ایشان پناه بردن به خیمه فرزندشان مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) است. حال که می‌دانیم تربیت الهی انسان فقط توسط انسان کامل صورت می‌گیرد، راهی جز تلاش برای تشبه به سیره رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و مقدمه‌سازی ظهور انسان کامل یعنی مهدی موعود (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) نداریم.

به امید این که با فرج ایشان و برپایی حکومت الهی موعود راه تربیت انسان‌ها تا درجه خلیفه‌اللهی هموار شود. تنها شیوه تربیتی که قدر و ارزش حقیقی انسان را می‌داند و متناسب با قیمت حقیقی انسان برای او حیات و ابدیت خارق‌العاده‌ای معماری می‌کند. همان حکومت انسان‌سازی که اصحاب سقیفه بنی‌ساعده با خیانت به پیمان غدیر، قرن‌ها ما را از داشتن آن محروم کردند.